

تفاوت‌های جنس در مقابله با تنیدگی

Gender Differences in Coping with Stress

Marzieh Hajizadegan

M. A. in Psychology

مرضیه حاجی‌زادگان

کارشناس ارشد روان‌شناسی

Abstract

In order to examine the coping strategies among Iranian high-school students, 365 male and 434 female students completed the Adolescent Coping Scale (Frydenberg & Lewis, 1993). Females reported higher levels of worrying, trying and anticipating, and seeking spiritual support; males reported higher levels of denial and physical recreation. Students in the field of human science reported higher levels of physical recreation than did students in the fields of math and experimental science. The interactions effects determined that males in the field of experimental science and females in the math and human science reported higher levels of trying and anticipation than did the others students. Males in the field of math and females in the field of human science obtained higher levels of apathetic withdrawal. Implications of gender and field of study on coping strategies were discussed.

Key words: coping, gender, field of study, student.

چکیده

به منظور بررسی راهبردهای مقابله‌ای در دانش‌آموزان دبیرستانی ایرانی، ۳۶۵ دانش‌آموز پسر و ۴۳۴ دانش‌آموز دختر مقیاس مقابله‌ای نوجوانان (فرایدنبرگ و لوئیس، ۱۹۹۳) را تکمیل کردند. میانگین دختران در نگرانی‌پذیری، تلاش و پیشاپیش‌نگری و مذهب‌گرایی و میانگین پسران در انکار و فعالیت بدنی بالاتر بود. دانش‌آموزان رشته علوم انسانی نسبت به دانش‌آموزان علوم تجربی و ریاضی، سطوح بالاتر فعالیت بدنی را نشان دادند. اثرات تعاملی بیانگر آن بودند که نمره‌های پسران رشته علوم تجربی و دختران رشته‌های علوم انسانی و ریاضی در تلاش و پیشاپیش‌نگری بیش از دانش‌آموزان رشته‌های دیگر بود. پسران رشته ریاضی و دختران رشته علوم انسانی در انزوای مایوسانه نمره‌های بیشتری به دست آوردند. استلزامهای جنس و رشته تحصیلی در راهبردهای مقابله‌ای به بحث گذاشته شد.

واژه‌های کلیدی: مقابله، جنس، رشته تحصیلی، دانش‌آموز.

received : 17 Oct 2007

دریافت : ۸۶/۷/۲۶

accepted : 24 Dec 2007

پذیرش : ۸۶/۱۰/۴

Contact information : mhajizadegan@gmail.com

مقدمه

مسئله تنیدگی و آثار آن بر کنش‌وری^۱ فرد در قلمروهای اجتماعی، روانی، خانوادگی و جسمانی از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده است و پیرو آن، مفهوم مقابله نیز به گونه‌های متفاوت به کار رفته است.

از دیدگاه روان‌شناسان تعاملی‌نگر (مانند لازاروس و فاکمن، ۱۹۸۴)، مقابله پدیده‌ای پویاست که از یکسو، وضعیت کنش‌های شناختی و عاطفی فرد را در مواجهه با عناصر تنیدگی‌زا یا پیامدهای ناشی از آنها و از سوی دیگر مهار نیازهای درونی و انتظارات بیرونی خاص را - به ویژه هنگامی که نیازها فراتر از توان وی هستند و قابلیت‌های او را به چالش می‌طلبند - نشان می‌دهد (کائسار و منیر، ۲۰۰۴). از این دیدگاه، افزون بر تأکید بر شیوه‌های تعاملی فرد و محیط، تأثیر نقش محوری شناخت بر پیامدهای هیجانی، دو سبک مقابله‌ای «مسئله محور^۲» و «هیجان - محور^۳» نیز از یکدیگر متمایز شده‌اند (دادستان، حاجی‌زادگان، علی‌پور و عسگری، ۱۳۸۶).

فرایدنبیگ و لویس (۱۹۹۳ الف) هر دو سبک مقابله‌ای «مسئله محور» و «هیجان محور» را، سبک‌های سازش-یافته‌ای می‌دانند که به فرایند سازش‌پذیری فرد با موقعیت تنیدگی‌زا کمک می‌کنند. افزون بر آن سبک سومی را نیز با عنوان سبک مقابله‌ای سازش‌نیافته مطرح می‌کنند که مبین شکست فرد در مقابله با تنیدگی‌هاست (فرایدنبیگ، ۲۰۰۲). تقسیم‌بندی اخیر در پژوهش دادستان و دیگران (۱۳۸۶) در جامعه نوجوانان ایرانی به دست آمد و در مجموع، نه راهبرد مقابله‌ای و یک زیر - مقیاس را متمایز کرد.

مع‌هذا می‌توان مقابله را پدیده‌ای پیچیده دانست که با عوامل متعدد وابسته به موقعیت، شخصی و جمعیت-شناختی همبستگی دارد و جنس تقریباً همیشه به عنوان شاخص کنش‌های مقابله‌ای مطرح می‌شود (فرایدنبیگ، ۱۹۹۴).

از دیدگاه کائسار و منیر (۲۰۰۴) تفاوت دو جنس

اغلب حاصل تجربه‌هایی است که فرد در طول زندگی کسب می‌کند و این باور وجود دارد که مردان گرایش بیشتری به فعال بودن، ارائه راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور و تکلیف‌های جهت‌دار، پرخاشگری و راهبردهای مقابله‌ای سازش‌یافته دارند (لازاروس، ۱۹۸۰ نقل از فرایدنبیگ و لویس، ۱۹۹۶؛ رنک و کریزی، ۲۰۰۳؛ ریکلیتیس، نوآم و دیپل، ۱۹۹۹) بالعکس زنها ارزیابی مثبت‌تری از توانایی حل مسئله و ادراک‌هایشان دارند، رفتارهای اجتنابی و بین فردی بیشتری را به کار می‌برند، از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند و سطح حرمت خود بالاتری دارند. همچنین سطح واکنش‌پذیری نسبت به وقایع تنیدگی‌زا و بهره‌گیری از راهبردهای «هیجان محور» در آنها بیشتر است. (ریکلیتیس و دیگران، ۱۹۹۹؛ فرایدنبیگ و لویس، ۱۹۹۳ الف؛ فرایدنبیگ، ۱۹۹۴؛ فرایدنبیگ و لویس، ۱۹۹۱، بالدوین، هریس و چمبلیس، ۱۹۹۷، رنک و کریزی، ۲۰۰۳).

گروهی دیگر از پژوهشگران (بالدوین و دیگران، ۱۹۹۷؛ فرایدنبیگ، ۱۹۹۷؛ و فرایدنبیگ و لویس، ۲۰۰۴)، با ابراز تردید در مورد این یافته‌ها، چنین مطرح کرده‌اند که اگرچه دخترها بیش از پسرها درباره وقایع منفی زندگی صحبت می‌کنند، اما تفاوت معناداری در میزان تعامل بیماری - تنیدگی به عنوان کنش جنسی وجود ندارد و شواهدی مبنی بر اینکه یک جنس در معرض خطر بیشتر باشد، ارائه نشده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که تجربه‌های کلی تنیدگی در طول نوجوانی در دخترها و پسرها مشابهند.

پژوهشگران دیگری نیز تلاش کرده‌اند که نقش تفاوت‌های جنسی در به کار بردن راهبردهای مقابله‌ای سازش‌نیافته را بررسی کنند. برای مثال ریکلیتیس و دیگران (۱۹۹۹) وجود همبستگی منفی بین مقابله اجتنابی و سازش‌یافتگی کلی در دختران را گزارش کرده‌اند.

در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین به اثر رشته تحصیلی در انتخاب راهبرد مقابله‌ای اشاره نشده است و این در حالی است که رشته تحصیلی افراد ممکن است شیوه تفکر خاصی را در حل مسائل به آنها ارائه کند و

شهر تهران به پنج بخش اصلی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد. در مرحله دوم از هر بخش یک منطقه آموزشی (یک، چهار، پنج، یازده و نوزده) و از هر منطقه چهار دبیرستان (۲ دخترانه و ۲ پسرانه) و از هر مدرسه ۶ کلاس (از سه رشته و دو پایه تحصیلی) و در مرحله آخر از هر کلاس به طور میانگین ۱۵ نفر به تصادف انتخاب شدند.

جدول ۱: توزیع فراوانی نمونه به تفکیک جنس و رشته

رشته	دختر	پسر
ریاضی	۱۴۸ (۱۸/۵۳٪)	۱۹۰ (۲۳/۷۸٪)
تجربی	۱۵۳ (۱۹/۱۵٪)	۷۷ (۹/۶۳٪)
انسانی	۱۵۳ (۱۹/۱۵٪)	۷۸ (۹/۷۶٪)
جمع		۷۹۹

ابزار پژوهش

مقیاس مقابله نوجوانان (فرایدنبرگ و لویس، ۱۹۹۳ ب) دارای ۸۰ سؤال و ۱۸ راهبرد مقابله‌ای است. این راهبردها با اجرای تحلیل عاملی در سه سبک قرار گرفتند که دو سبک حل مسئله^۳ و ارجاع به دیگران^۴ معادل سبکهای مسئله محور و هیجان محور، به منزله سبکهای سازش یافته هستند، سبک سوم که سبک غیرمولد^۵ نامیده شده است یک سبک سازش نیافته است. اعتبار کل مقیاس در جامعه استرالیا از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷، و پایایی^۶ زیر مقیاسها از طریق آزمون - بازآزمون^۷ بین ۰/۴۴ تا ۰/۸۱ بوده است. یک سؤال ناتمام نیز برای بررسی راهبردهای احتمالی فرد که در پرسشها نیامده‌اند، مطرح شده است. نمره‌گذاری سؤالها براساس مقیاس لیکرت به صورت همیشه، اغلب، گاهی اوقات، به ندرت، هرگز؛ انجام می‌شود (فرایدنبرگ و لویس، ۱۹۹۳ ب).

این آزمون در پژوهش دادستان و دیگران (۱۳۸۶) با اجرای تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی به ۷۴ سؤال کاهش یافت که در قالب ۹ راهبرد و یک زیر - مقیاس، دو سبک مقابله‌ای سازش یافته و سازش نیافته را از هم متمایز کرد (جدول ۲) پنج راهبرد در سبک مقابله سازش-

چشم‌انداز متفاوتی را برای آینده شغلی و تحصیلی به تصویر کشد.

پژوهشهای اندکی نیز نقش عوامل محیطی از قبیل وضعیت اجتماعی - اقتصادی بر پاسخ مقابله‌ای را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهشها بیشتر بر مقایسه جوامع شهری و روستایی متمرکز بوده‌اند (ایلگار، آرلت و گراوز، ۲۰۰۳؛ گونزالس، تین، سندلر و فریدمن، ۲۰۰۱) و نشان داده‌اند که به‌رغم عدم تفاوت بین نوجوانان روستایی و شهری در به کارگیری انواع راهبردهای مقابله‌ای، پسرهای مناطق شهری رفتارهای تضادورزانه^۱ و برونی-سازی شده^۲ بیشتری نسبت به دخترها و پسرهای روستایی دارند (ایلگار و دیگران، ۲۰۰۳).

در پژوهش حاضر تلاش شده تا نقش جنس، رشته تحصیلی و موقعیت اقتصادی - اجتماعی افراد در تعیین راهبردهای مقابله‌ای بررسی شود.

برای نیل به این مقصود، سؤالهایی که در پی می‌آیند مطرح شدند:

آیا بین پسرها و دخترها در به کارگیری انواع راهبردهای مقابله‌ای تفاوت وجود دارد؟

آیا بین رشته‌های تحصیلی (ریاضی، تجربی، انسانی) در به کارگیری انواع راهبردهای مقابله‌ای (پنج راهبرد سازش یافته و چهار راهبرد سازش نیافته) تفاوت وجود دارد؟

آیا بین طبقات مختلف اقتصادی - اجتماعی (مناطق آموزشی) در به کارگیری انواع راهبردهای مقابله‌ای (پنج راهبرد سازش یافته و چهار راهبرد سازش نیافته) تفاوت وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی است. نمونه پژوهش ۷۹۹ دانش‌آموز دوره متوسطه (۳۴۵ پسر و ۴۵۴ دختر) رشته‌های علوم ریاضی، علوم تجربی و علوم انسانی در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ بودند که با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که در مرحله نخست

1. conflictual
2. externalizing

3. solve the problem
4. reference to others

5. non-productive
6. stability

7. test-retest

برای تحلیل داده‌ها بر پایه هدف پژوهش از روش‌های زیر استفاده شد:

- تحلیل واریانس چند متغیری
- مقایسه زوجی توکی

یافته‌ها

نتایج تحلیل‌ها نشان دادند که دانش‌آموزان در شش عامل نگرانی‌پذیری، تلاش و پیشاپیش‌نگری، انکار، مذهب‌گرایی، فعالیت بدنی و زیر مقیاس انزوای - مایوسانه در متغیرهای جنس، رشته تحصیلی یا تعامل این دو با هم، تفاوت معنادار دارند. نتایج این تحلیل‌ها به ترتیب در جدول‌های ۳ و ۴ و شکل‌های ۳ و ۴ نشان داده شده‌اند. مشخصه‌های آمار توصیفی مربوط به مقیاس به تفکیک جنس و رشته تحصیلی در شکل‌های ۱ و ۲ آمده است.

یافته و چهار راهبرد در سبک مقابله سازش‌نایافته جای گرفتند. ضریب همسانی درونی و بازآزمایی برای کل مقیاس به ترتیب برابر با ۰/۸۸ و ۰/۷۱ بود.

جدول ۲: سبک‌ها و راهبردهای مقابله‌ای (دادستان و دیگران، ۱۳۸۶)

سبک	راهبردهای مقابله‌ای
سازش یافته	کمک‌طلبی پیوندجویی تلاش و پیشاپیش‌نگری مثبت‌نگری مذهب‌گرایی
سازش نایافته	نگرانی‌پذیری انکار پرخاشگری فعل‌پذیر فعالیت بدنی
زیر مقیاس	انزوای مایوسانه

جدول ۳: خلاصه محاسبه‌های تحلیل واریانس چند متغیری رابطه بین جنس و رشته تحصیلی در عامل‌های راهبردهای مقابله‌ای

جنس	نگرانی‌پذیری	تلاش و پیشاپیش‌نگری	انکار	مذهب‌گرایی	فعالیت بدنی	انزوای مایوسانه
F	۲۳/۲۱۸	۳/۴۷۱	۲۳/۴۹۲	۱۴/۲۵۲	۱۳۶/۵۰۳	۰/۱۷۶
معناداری	۰/۰۰۱**	۰/۰۶۳	۰/۰۰۱**	۰/۰۰۱**	۰/۰۰۱**	۰/۶۷۵
رشته	F	۳/۹۳۴	۴/۳۰۲	۰/۵۶۱	۱/۳۵۶	۴/۲۵۱
معناداری	۰/۰۲۰*	۰/۶۲۳	۰/۰۱۴*	۰/۵۷۱	۰/۰۲۶*	۰/۰۱۵*
جنس و رشته	F	۲/۷۵۹	۱/۲۸۴	۰/۱۴۴	۰/۱۸۰	۶/۶۰۱
معناداری	۰/۰۶۴	۰/۰۳۶*	۰/۲۷۸	۰/۸۶۶	۰/۸۳۵	۰/۰۰۱**

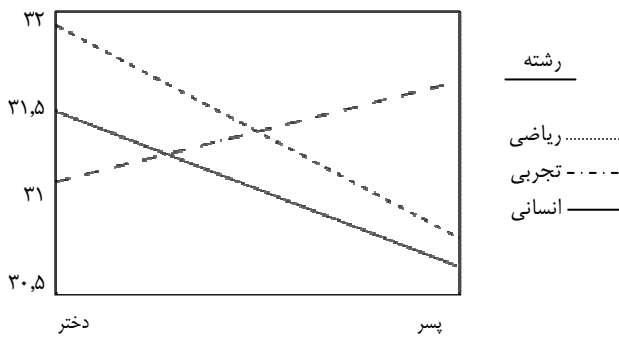
* P کوچکتر از ۰/۰۵ ** P کوچکتر از ۰/۰۱

عامل‌های نگرانی‌پذیری، انکار، فعالیت بدنی و انزوای مایوسانه با هم تفاوت دارند. میانگین آزمودنی‌های گروه علوم انسانی در راهبردهای نگرانی‌پذیری و انزوای مایوسانه بیش از گروه ریاضی، در انکار، بیش از گروه تجربی و در فعالیت بدنی بالاتر از هر دو گروه است (شکل ۱). تعامل بین جنس و رشته تحصیلی در عامل‌های تلاش و پیشاپیش‌نگری و انزوای مایوسانه معنادار است (شکل ۳ و ۴).

همانطور که در جدول ۳ دیده می‌شود بین دو جنس در عامل‌های نگرانی‌پذیری (عامل سوم)، انکار (عامل ششم)، مذهب‌گرایی (عامل هشتم) و فعالیت بدنی (عامل نهم) تفاوت وجود دارد که با توجه به داده‌های شکل ۲، دخترها بیش از پسرها واجد عامل‌های نگرانی‌پذیری و مذهب‌گرایی هستند و میانگین پسرها در عامل‌های انکار و فعالیت بدنی بیشتر از دخترها است.

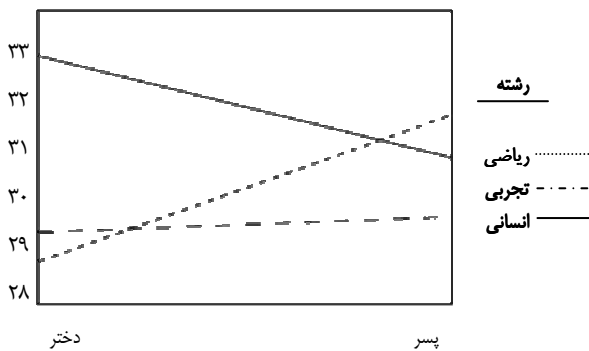
افزون بر این، نتایج جدول ۳ نشان می‌دهند که دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی در به‌کارگیری

دخترها استفاده می کنند.



شکل ۳: نمودار تعامل جنس و رشته تحصیلی در عامل تلاش و پیشاپیش‌نگری

در عامل (زیرمقیاس) انزوای مایوسانه دانش‌آموزان رشته‌های علوم انسانی و علوم ریاضی با هم متفاوتند (جدول ۳). یافته‌ها نشان می‌دهند که پسرها در رشته علوم ریاضی و دخترها در رشته علوم انسانی میانگین بالاتری دارند. بدین معنا که پسرهای رشته علوم ریاضی و دخترهای رشته علوم - انسانی بیش از دیگر افراد از راهبرد انزوای مایوسانه استفاده می‌کنند (شکل ۴).



شکل ۴: نمودار تعامل جنس و رشته تحصیلی در زیر مقیاس انزوای مایوسانه

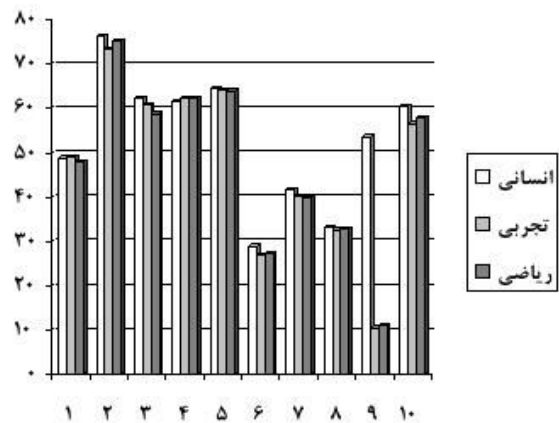
بحث و تفسیر

پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که فرایند اجتماعی شدن دخترها با پسرها به علت تفاوت در نقش‌هایی که در آینده ایفا خواهند کرد، متفاوت است و در نتیجه، به هنگام استفاده از سبک‌های خاصی از مقابله مورد تشویق و برای برخی دیگر سرزنش می‌شوند (فرایدنبرگ و لوئیس، ۱۹۹۶). اما این سبک‌های قابل‌تحسین و سرزنش در دخترها و پسرها متفاوت هستند و موجب می‌شوند که

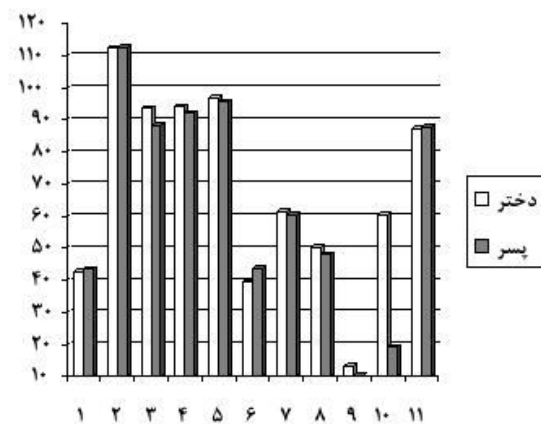
جدول ۴: مقایسه زوجی توکی برای میانگین‌های رشته‌های تحصیلی با تفاوت معنادار در عاملهای راهبردی مقابله‌ای

عامل	رشته ۱	رشته ۲	تفاوت میانگین
نگرانی‌پذیری	ریاضی	انسانی	۱/۹۳۱۱ *
انکار	تجربی	انسانی	۱/۱۷۹۶ *
فعالیت بدنی	ریاضی	تجربی	۰/۷۴۶۹ *
انزوای مایوسانه	ریاضی	انسانی	۲/۲۱ *

* P کوچکتر از ۰/۰۵



شکل ۱: نمودار تفاوت میانگینها در سه رشته تحصیلی



شکل ۲: نمودار تفاوت میانگینها در دخترها و پسرها

همانطور که در شکل ۳ دیده می‌شود پسرها در رشته ریاضی و علوم انسانی میانگین کمتری نسبت به دخترها دارند. اما در رشته تجربی میانگین دخترها کمتر از پسرهاست. بنابراین می‌توان گفت که در راهبرد تلاش و پیشاپیش‌نگری میانگین دخترهای رشته علوم ریاضی و علوم انسانی بیش از پسرهای این رشته‌هاست در حالی که پسرهای رشته تجربی از راهبرد مذکور بیش از

آنها راهبردهای مقابله‌ای متفاوتی را بیاموزند و به کاربرند. یافته‌های پیشین درباره کاربرد راهبردهای مقابله‌ای در دو جنس نشان می‌دهند که دخترها بیش از پسرها دچار نگرانی می‌شوند و پسرها با انجام فعالیت‌های بدنی با تنیدگی خود مقابله می‌کنند (فرایدنبرگ و لويس ۱۹۹۶). یافته‌های فرایدنبرگ و لويس (۱۹۹۳ الف)، همپل و پترمن (۲۰۰۵)، اسمیت، فرایدنبرگ و پل (۲۰۰۳) گونزالس و دیگران (۲۰۰۱) نیز مبین آن هستند که دخترها بیشتر از سبک‌های هیجان محور و پسرها از سبک‌های مسئله محور برای مقابله با تنیدگی سود می‌جویند.

یافته‌های پژوهش حاضر این نکته را برجسته کردند که دخترها در مقابله با تنیدگی، بیشتر از راهبردهای نگرانی‌پذیری، تلاش و پیشاپیش‌نگری و مذهب‌گرایی و پسرها از راهبردهای انکار و فعالیت بدنی سود می‌جویند. کاربرد مکانیزم انکار از سوی پسرها؛ تلاش و پیشاپیش‌نگری و مذهب‌گرایی در دخترها با یافته‌های پیشین هماهنگی ندارند (فرایدنبرگ و لويس، ۱۹۹۶؛ همپل و پترمن، ۲۰۰۵؛ فرایدنبرگ و لويس، ۱۹۹۳ الف؛ اسمیت و دیگران، ۲۰۰۳؛ گونزالس و دیگران ۲۰۰۱). نتایج تحلیل این پژوهش نشان می‌دهد که دخترها با به کار بردن این سبک‌ها از سطوح سازشی بالاتری بهره‌مند هستند. می‌توان چنین پنداشت که استفاده از راهبرد مذهب‌گرایی در دختران، مبین فرهنگ اجتماعی و ملزم کردن آنها به کاربرد راهبردهایی است که آنها را به سوی سازش‌یافتگی فعل‌پذیر سوق می‌دهد. بالاتر بودن میانگین آزمودنی‌های مؤنث در به کارگیری راهبرد نگرانی‌پذیری، نیز با توسل به دلایل اجتماعی و موقعیت این جنس در جامعه توجیه شدنی است.

اما به کاربرد مکانیزم انکار از سوی پسرها به منزله یک راهبرد سطح سازشی پایین و عدم پذیرش، در کنار فعالیت بدنی که فعالیتی اجتماعی به منظور جهت‌دهی به هیجان‌های منفی ناشی از امیال تعارض‌آمیز است (دادستان، در دست چاپ) و در حوزه مکانیزم دفاعی والایی‌گرایی به عنوان راهبردسازشی سطح بالا قرار می‌گیرد (DSM-TV-TR, 2000)، باید توجه شود چون نتایج نشان می‌دهند که پسرها بیش از دخترها از عامل

اخیر سود می‌جویند. اما نکته اینجاست سؤال‌هایی که در این آزمون برای سنجش میزان کاربرد فعالیت بدنی به عنوان یک راهبرد مطرح شده‌اند، با مترادف قرار دادن انکار و فعالیت بدنی، عامل اخیر را از یک بار منفی و سازش‌نیافته برخوردار کرده‌اند. در نتیجه راهبرد فعالیت بدنی، به گونه‌ای که در پرسش‌های این آزمون مطرح شده، راهبردی سازش‌نیافته است که به معنای انکار مسئله تنیدگی‌زا است.

در این پژوهش، تفاوت بین دو جنس در عامل انزوای مایوسانه معنادار نبود.

بررسی تفاوت بین رشته‌های تحصیلی در بهره‌گیری از راهبردهای مقابله‌ای نشان داد که دانش‌آموزان رشته علوم انسانی بیش از سایرین از راهبرد فعالیت بدنی در مقابله با تنیدگیها استفاده می‌کنند. همانطور که پیشتر گفته شد، سؤال‌هایی که به بررسی فعالیت بدنی پرداخته‌اند بار منفی دارند و راهبرد فعالیت بدنی به عنوان راهبردی سازش‌نیافته در نظر گرفته می‌شود که این امر با بالا بودن میانگین دانش‌آموزان این رشته در به کارگیری راهبرد انزوای مایوسانه مورد تأیید قرار می‌گیرد (نمودار ۱). یافته اخیر به این دلیل نسبت دادنی است که متأسفانه اغلب شاگردان، این رشته را به علت فقدان توانایی یا سرخوردگی از دیگر عوامل اجتماعی برمی‌گزینند، نگران آینده شغلی و تحصیلی خود هستند و تلاش می‌کنند که به هر شیوه‌ای از پذیرش این مسئله سرباز زنند و یا با آن روبرو نشوند و خود را در موضعی فعل‌پذیر قرار دهند. یافته‌های تعاملی نیز نشان می‌دهند که میانگین پسرهای رشته علوم ریاضی و دخترهای رشته علوم انسانی در عامل انزوای مایوسانه بیش از سایرین است (شکل ۴) این یافته می‌تواند به این دلیل باشد که برگزیدن رشته علوم انسانی برای دخترها و علوم ریاضی برای پسرها به منزله انتخاب مسیری است که - ضمن تضمین آینده حرفه‌ای پسرها - غالباً بر اساس علاقه نیست و موجب می‌شود که زمینه کنارکشیدن از مشکلات در افراد فراهم شود و هیچ تلاشی برای رویارویی با مسئله صورت نپذیرد.

پژوهش‌های اندکی که به بررسی نقش عوامل محیطی

- race and gender. *Adolescence*, 32 (128), 839-853.
- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders Text Revised (2000).** Washington, DC. : The American Psychiatric Association.
- Elgar, F. J., Arlett, Ch., & Groves, R. (2003).** Stress coping and behavioral problems among rural and urban adolescents. *Journal of adolescence*, 56 (5), 574-585.
- Frydenberg, E. (1994).** Coping and its correlates: what the adolescents coping scale tells us. *The Australian Educational and Developmental Psychologist*, 11 (2), 1-11.
- Frydenberg, E. (1997).** *Adolescent coping*. London. London & New York.
- Frydenberg, E. (2002).** *Beyond Coping, beating goal vision, and challenges*. New York: Oxford University Press.
- Frydenberg, E., & Lewis, R. (1991).** Adolescent coping: the different ways in which boys and girls cope. *Journal of Adolescence*, 14, 119-131
- Frydenberg, E., & Lewis, R. (1993a).** Boys play sport and girls turn to others: Age, gender and ethnicity as determinates of coping. *Journal of Adolescence*, 16, 253-266.
- Frydenberg, E., & Lewis, R. (1993b).** *Adolescent coping Scale Administrators Manual Research*. ACER.
- Frydenberg, E., & Lewis, R. (1996).** A replication study of the structure of the adolescent coping scale: Multiple forms and applications of a self-report inventory in a counseling and research context. *European Journal of Psychological Assessment*, 12 (3), 224-235.
- Frydenberg, E., & Lewis, R. (2004).** Adolescents least able to cope: How do they respond to their stresses? *British Journal of Guidance and Cou-*

مانند وضعیت اقتصادی - اجتماعی بر پاسخ مقابله‌ای افراد پرداخته‌اند، بیشتر بر مقایسه جوامع روستایی و شهری متمرکز بوده‌اند (ایلگار و دیگران، ۲۰۰۳؛ گونزالس و دیگران، ۲۰۰۱). یکی از یافته‌های پژوهش حاضر که براساس مقایسه افراد در پنج منطقه آموزشی شهر تهران به دست آمد، با نتایج پژوهشهای مذکور ناهماهنگ است؛ ناهماهنگی‌ای که می‌تواند حاصل عدم شباهت جوامع مورد بررسی باشد. اما نتیجه حاصل از این رو حائز اهمیت است که نشان‌دهنده وجود شیوه‌های مقابله مشابه در سطوح مختلف اجتماعی و اقتصادی شهر تهران است و این فرض را مطرح می‌کند که ریشه‌های روشهای مقابله را باید در فراسوی خرده - فرهنگها جستجو کرد.

آزمون راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان برای نخستین بار در این پژوهش به کار برده شد، و نمونه گسترده این مطالعه معرف جامعه آماری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران است و با آنکه تعمیم آن به سایر جوامع بزرگ شهری قابل بررسی است اما تسری نتایج به شهرهای کوچک و یا روستاها مستلزم پژوهشهای دیگر است و بی‌تردید انجام پژوهشهای بیشتر در گسترده‌های سنی دیگر، وجود تعاملهای جدیدی را بین عوامل متعدد مشخص خواهد کرد. همچنین در این پژوهش رشته‌های نظری (علوم ریاضی، علوم تجربی و علوم انسانی) مورد مطالعه قرار گرفتند و گسترش آن به دیگر رشته‌های شاخه کار دانش و فنی حرفه‌ای می‌تواند ناگفته‌های دیگری را آشکار سازد.

منابع

- دادستان، پ. (در دست چاپ). *روان‌شناسی بالینی کودک*. تهران: انتشارات سمت.
- دادستان، پ.، حاجی‌زادگان، م.، علی‌پور، الف. و عسگری، ع. (۱۳۸۶). اعتباریابی، رواسازی و تعیین ساختار عاملی مقیاس راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان. *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، ۳ (۱۱)، ۲۰۸-۱۸۹.
- Baldwin, D. R., Harris, Sh. M., & Chambliss, L.N. (1997).** Stress and illness in adolescence: Issue of

appraisal, and coping. New York: Springer.

Recklites, Ch. J., Noam, C. G., & Dipel, E. (1999).

Clinical and developmental perspectives on adolescent coping. *Child Psychiatry and Human Development*, 30 (2), 87-101.

Renk, K., & Creasey, G. (2003).

The relationship of gender identity and coping strategies in late adolescents. *Journal of Adolescence*, 26 (2), 159-168.

Smith, N. L. Frydenberg. E., & Poole, Ch. (2003).

Broadening social networks for girls and particularity for boys: Outcomes of a coping skills program. *Australian Journal of Guidance and Counseling*, 13 (1), 22-35.

nseiling, 32 (1), 25-37.

Gunzales, N. A. Tein, J. Sandler, I. N., & Friedman, R. J. (2001).

On the limits of coping: interaction between stress and coping for inner-city adolescents. *Journal of Adolescents Research*, 16 (4), 372-395.

Hampel, P. & Petermann, F. (2005).

Age and gender effects on coping in children and adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 34 (2), 73-83.

Kausar, R. & Munir, R. (2004).

Pakistan adolescents coping with stress : Effect of loss of a parent and gender of adolescents. *Journal of Adolescence*, 27 (6), 599-610.

Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress*,